

صفت

صفت کلمه یا گروهی از کلمات است که قبل یا بعد از اسم می آید، و آن را با ویژگی یا مفهومی همراه می کند و درباره آن توضیح می دهد.

صفت های پیشین، پیش از اسم می آیند و صفت های پسین، پس از اسم. هر گاه صفت به جای اسم بنشیند، کارکرد اسم را پیدا می کند:

مثال: «آیا هنوز ریزش باران بر گونه هایت، تو را شاداب می کند؟»

اسمی که پیش یا پس از صفت قرار می گیرد و صفت، ویژگی آن را بیان می کند، موصوف نام دارد.

انواع صفت از نظر ساخت

ساده

صفتی که قابل تقسیم به «جزءهای معنی دار» یا «جزءهای معنی دار و معنی ساز» نباشد.

بزرگ / کوچک / خوب.

مرگب

صفتی که از چند جزء معنی دار یا چند جزء معنی دار و معنی ساز ترکیب شده باشد.

مثل: سنگدل، ششم، (شش + م) / بخرد (ب + خرد) / خوبروی (خوب + روی)

برخی از پسوندهای سازنده صفت مرگب از این قرارند: سان، آسا، گونه، گون، فام، دیس، وش، سار، مان، سیر، بار، وار.

گروه وصفی

صفتی که از یک هسته و یک یا چند وابسته ساخته شده باشد.

مثل: نان به نرخ روزخور / خوش آب و رنگ / از جان گذشته.

نکته هایی در باره کاربرد صفت:

۱- معمولا میان موصوف و صفت کسره می آید. اما گاه این کسره حذف می شود:
پدر بزرگ، آدم آهنی.

۲- صفت پسین گاه پیش از موصوف می آید: پیرمرد، زیبا گل.

انواع صفت از نظر مفهوم

صفت بیانی

صفت بیانی ویژگی اسم را از نظر چگونگی و خصوصیات نشان می دهد و انواع آن عبارتند از: ساده، فاعلی، مفعولی، نسبی، لیاقت

صفت بیانی ساده

صفت بیانی ساده تنها بر چگونگی موصوف دلالت می کند:
هوای خوب / اتاق گرم

صفت فاعلی

صفت فاعلی نشان می دهد که موصوف کننده کاری است؛ و ساخت هایی دارد از این قبیل:

بن مضارع + نده: گوینده / گیرنده

بن مضارع + آن: دعاگویان / گریان. این ساخت را صفت حالیه نیز می نامند، زیرا بر گذرا بودن وصف دلالت می کند.

بن مضارع + آ: شنوا / دانا. این ساخت برابر است با صفت مشبّهه در عربی و معمولا پایداری وصف را می رساند.

۱- بن ماضی + آر: خواستار / خریدار.

۲- بن ماضی یا بن مضارع یا اسم + گار: آفریدگار / پرهیزگار / یادگار.

۳- بن ماضی یا بن مضارع یا اسم + گر: رُفتگر / توانگر.

۴- اسم یا بن فعل یا ساخت امر+کار:ستمکار / طلبکار

صفت مفعولی

صفت مفعولی نشان می دهد که موصوف مفعول است . ساخت این صفت چنین است:
بن ماضی + های غیر ملفوظ + شده :گرفته شده /نوشته شده.

صفت نسبی

صفت نسبی موصوف خود را به عناصری مثل مکان نسبت می دهد .تابعیت ها و بسیاری از نام های خانوادگی به همین گونه بیان می شوند: رضایی ، ایرانی .

ساخت صفت نسبی معمولا چنین است:

-اسم + ی یا ین یا ینه یا های غیر ملفوظ یا آنه: زرهی ، سیمین ، زرینه ، بهاره ، مردانه .

-اسم عربی + آنی: روحانی ، ربّانی .

توجه:در تشخیص اقسام صفت ، نباید تنها به ساخت نظر داشت ، بلکه معنی را نیز باید در نظر گرفت ; زیرا برخی از ساخت ها مشترکند . مثلا گرفتار با آن که ساخت صفت فاعلی دارد ، از لحاظ معنا صفت مفعولی است .

صفت لیاقت

صفتی است که شایستگی و قابلیت موصوف را می رساند .

-مصدر +ی: خوردنی / پوشیدنی .

درجه های صفت بیان:

۱- صفت مطلق : بدون سنجش با دیگری ، حالت و چگونگی موصوف را بیان می کند .مثل:خوب / بزرگ .

۲- صفت برتر (= تفضیلی):این صفت نشان می دهد که موصوف در داشتن یک ویژگی ، از موصوف یا موصوف های مورد سنجش . و نه همه موصوف های دایره بحث . برتر است . نشانه این صفت ، تر است که پس از صفت می آید .مثل:خوبتر / بزرگتر .

۳- صفت برترین (= عالی): این صفت نشان می دهد که موصوف در داشتن یک ویژگی ، از همه موصوف های دایره بحث برتر است . نشانه این صفت ترین است که بعد از صفت

می آید. مثل: خوبترین / بزرگترین.

صفت شمارشی

صفت شمارشی صفتی است که شماره و تعداد موصوف را نشان می دهد. این صفت دوگونه دارد: ساده، ترتیبی

صفت شمارشی ساده

تنها تعداد موصوف را بیان می کند: یک / بیست

صفت شمارشی ترتیبی

ترتیب و جایگاه قرار گرفتن موصوف را نشان می دهد و ساخت آن چنین است:
صفت ساده + م یا مین: اولین / ششمین
این صفت معمولا پیش از موصوف و گاه پس از آن می آید

صفت اشاره

صفت اشاره صفتی است که موصوف را مورد اشاره قرار می دهد: این، آن، همین، همان، چنین، چنان، این قدر، این گونه.
این صفت نیز باید همانند دیگر صفات همراه با موصوف بیاید تا صفت نام گیرد. در این مورد، اگر کلمات مزبور با موصوف همراه نشوند، ضمیر اشاره اند. این صفت معمولا پیش از موصوف قرار می گیرد.
"این گل را از آن باغ چیدم".

صفت پرسشی

صفت پرسشی صفتی است که سؤالی را درباره موصوف خود مطرح می کند
چه، کدام، چگونه، چند، چندمین.
این صفت معمولا پیش از موصوف می آید.
اهواز چگونه شهری است؟

صفت مبهم

صفت مبهم صفتی است که یک ویژگی موصوف را به طور نامعین نشان می دهد: چند، بعضی، فلانی، هر، همه، دیگر، هیچ، هر همه، دیگر. این صفت معمولاً پیش از موصوف قرار می گیرد. "حمید امروز چندین کتاب خرید".

صفت تعجبی

صفت تعجبی صفتی است که نشانگر شگفتی گوینده درباره موصوف است: چه، چگونه، چقدر. این صفت پیش از موصوف می آید. "چه گل زیبایی!"